

جعفر تکبیری

ناظم عمر دباغ نماینده اقلیم کردستان عراق در جمهوری اسلامی است. وی متولد شهربور ماه ۱۳۲۷ در شهور کویه در کردستان عراق است و پیش از آنکه خود را دیپلمات بداند، یک معلم معرفی می‌کند. وی در حالی نمایندگی اقلیم کردستان عراق در ایران را به عهده دارد که از همزمان و اقوام فؤاد معصوم رئیس‌جمهور فعلی عراق است؛ اگر چه می‌گوید این دوستی نزدیک قرار نیست تأثیری در ارتقای سمست وی داشته باشد؛ این موضوع را هنگام نشان دادن عکس‌های قدیمی خود با فؤاد معصوم در کوه‌های کردستان به ما می‌گوید. مصاحبه با ناظم دباغ در حالی در محل دفتر کارش شکل گرفت که این دفتر نمادها و المان‌های زیادی از فرهنگ کردی در خود جای داده بود؛ از تابلوها و تصاویر رقص کردی گرفته تا پرچم کردستان عراق در کنار تصاویری از جلال طالبانی و مسعود بارزانی. اگر چه بر خلاف دیدگاه مصاحبه‌کنندگان ناظم دباغ که سسکانداری این نمایندگی را به عهده دارد، لباس کردی به تن نکرده است. وی در توضیح اینکه چرا از لباس کردی استفاده نمی‌کند، می‌گوید: «از روزی که از کوه پایین آمدیم دیگر لباس کردی نی پوشیدم. تعصب ملی این نیست که من لباس کردی بپوشم مجبور هستمید لباس کردی بپوشیدو آهنگ کردی بخش کنیید تا اثبات کنیید که هستیید، اما من به این موضوع اعتقاد ندارم.»

ناظم دباغ در گفت‌وگو با خبرنگاران روزنامه جوان به سوآلات مختلفی این روزنامه پیرامون موضوع داعش و دیگر مسائل مبتلابه این اقلیم پاسخ داد. آنچه در ادامه می‌خوانید حاصل این گفت‌وگوی یک ساعت است:

□□□

آقای دباغ با تشکر از زمانی که به ما اختصاص دادید. در پاسخ به سؤال اول بفرمایید که چرا پس از فروپاشی رژیم صدام و آرامش نسبی که پس از خروج نیروهای خارجی از عراق در این کشور شکل گرفته بود، گروه‌گی مثل داعش در خاک این کشور سر بیرون آورد؟

آن آرامش نسبی‌تر از نسبی بود. پس از سقوط صدام انتقال‌های مختلفی در سطح عراق به وقوع می‌پیوست و این طور نبود که آرامش کامل باشد. به نظر من این به سیاست آمریکا بازمی‌گردد. تاریخ آمریکا را اگر خوب دقت کنیم، اکثر دیکتاتورهای دنیا زیر دست آمریکایی‌ها رشد کردند و توسط خود امریکایی‌ها نئیز سرنگون شدند. صدام حسین در عراق، علی محمد صالح در یمن، حسنی مبارک در مصر، معمر قذافی در لیبی، طالبان در افغانستان و حتی شاه ایران همگی جزو دیکتاتورهایی بودند که توسط امریکایی‌ها حمایت می‌شدند و سپس توسط امریکایی‌ها سرنگون شدند. نکته مهم‌تر اینکه به جز ایران، در باقی کشورها باز حکومت‌های امریکایی قدرت را در دست گرفتند. البته نباید فراموش کرد که در برخی اوقات دیکتاتور یک فرادست و در دیگر اوقات دیکتاتوری یک سیستم است. آنها می‌خواهند که مردم کشورهای مختلف همواره به امریکا تیارمند باشند و گمان کنند که اگر توانست دیکتاتور قبلی را برآرد، دیکتاتور جدید را نیز می‌تواند سرنگون کند. من قبلاً یک یادداشت برای روزنامه ایران نوشتم و در آن عنوان کردم که داعش زاده سیاست‌های اشتباه غرب است و ریشه آن در جنگ جهانی اول است. شما مشاهده کنید زمانی که دنیا به بلوک شرق و غرب تقسیم شد، بلوک غرب هزینه‌های زیادی روی جنبش دینی و مذهبی انجام دادند تا مقابل مارکسیسم و لنینیسم بايستند. این حرکت از دو نقطه شروع شد، اول در افغانستان بود و زمانی که شوروی این کشور را اشغال کرد، و غرب سعودی‌های سلفی و اخوانی نظیر اسامه بن لادن را برجسته کرد تا علیه شوروی بجنگند. این جریان‌ها در ادامه از خط کشورهای حامی خود خارج شدند و یک نوع استقلال را تجربه کردند. این روند تا آنجایی ادامه داشت که واقعاً ۱۱ سپتامبر به وقوع پیوست و امریکایی‌ها به هوش آمدند. آنها به افغانستان حمله کردند و باعث فروپاشی طالبان شدند و سپس با همین بهانه به عراق لشکر کشی کردند و ارتش این کشور را نیز از بین بردند. اما پس از فروپاشی ارتش عراق، القاعده عراق، بعث سابق، جهاد اسلامی، انصار السنه، انصار الاسلام و چندین گروه تروریستی دیگر تشکیل شدند.

در جریان بیداری اسلامی نیز دیدیم که در مصر حکومت مبارک سرنگون شد و مرسی با انتخابات روی کار آمد اما پس از گذشت یکسال، وی را کنار زدند و حکومتی دیگر را بر سر کار آوردند. سپس امریکا دست روی سوریه گذاشت و به بهانه برداشتن بشار اسد، برای تقویت حکومت اسرئیل، اپوزیسیون سورری را حمایت کرد. بشار اسد در این میان دچار اشتباه شد و از بعضی‌های عراقی، حمایت کرد و با توجه به رشد سیستم اسلامی در رژیم بعث عراق در آخرین روزهای حکومت صدام، این روند باعث افزایش افراطی‌گری به نام اسلام در سوریه شد. قطر، عربستان و ترکیه در آن زمان متحد شدند تا حکومت سوریه را در عرض ۳۰ روز از بین ببرند و همین موضوع باعث شد که حمایت‌هایی از داعش کنند. در این میان، داعش که مخفف دولت اسلامی عراق و شام است، از بعضی‌ها و انصار السنه سابق و دیگر گروه‌های سنی شکل گرفت. آنها به دنبال وحدت عراق و شام بودند، حرکتی که یک تفکر یعنی بود. در زمان شکل‌گیری حزب بعث، یکی از شعارهای اصلی آنان اتحاد عراق، سوریه و مصر بود که سه ستاره وسط پرچم این کشورها در گذشته، هر کدام به نمایندگی از یک کشور و نشانه همین تفکر بود. البته در ادامه مصر از این اتحاد خارج شد و عراق و سوریه باقی ماندند.

در کنار این ما شاهد بودیم که به خاطر سوءمدیریت آقای نوری المالکی، زمینه برای رشد داعش در عراق فراهم شد. آقای نوری مالکی در آن دوره با کردها و سنی‌ها بسیار درگیر بود و تک‌شکلیات مذهبی متعصب تشکیل داد و

نمایندگی اقلیم کردستان عراق در ایران



نمایندگی اقلیم کردستان عراق در ایران:

به پشتوانه ایران نیازی به حضور امریکا نداریم هیچ خواستی برای حضور نظامی امریکا در کردستان وجود ندارد

حتی کار تا آنجا پیش رفت که از بعضی‌های سابق که در ارتش عراق بودند، تنها به خاطر شیعه بودن، استفاده کرد. البته در ادامه آقای مالکی دید که ارتش عراق که وی بازسازی کرد در مدت شش ساعت، ۱۰۰ هزار نیروی آنها در منطقه تکریت، سامرا، نینوا و کرکوک دچار فروپاشی شد. آنها یا به داعش پیوستند یا اسلحه خود را زمین گذاشتند و فرار کردند.

پس سنکوت اقلیم کردستان عراق در خصوص حمله داعش به خاک عراق، یک نوع انتقام‌گیری از دولت آقای مالکی بود؟

خیر. ما هرگز این را به نام انتقام تفسیر نمی‌کنیم. ما هیچ‌گاه از داعش حمایت نکردیم اما هرگز نمی‌توانیم اشتباهات دولت نوری‌المالکی را نیز ببیزیم و در این اشتباهات نیز شریک شوییم. آقای نوری‌المالکی بسیاری از سنی‌ها را از مناصب کلئی کنار گذاشت و همین موضوع باعث شد که سنی‌ها با داعش متحد شوند، چون تنها قدرت مخالف نوری‌المالکی همین گروه داعش بود.

شما مشاهده کنید که در فرمانده تیپ در منطقه موصل که ۳۶ هزار نیروی ارتشی در اختیار داشتند و هر کدام یک فرزند بالگرد در اختیار داشتند، نتوانستند برای اذ دست داعش خود را به هلیکوپترهایشان برسانند و مجبور شدند با خودرو به اربیل بیایند و از آنجا با هواپیمها به بغداد بروند. دلیل این موضوع چه می‌تواند باشد؟ پاسخ بسیار ساده است؛ آنها هیچ اتصالی با مردم نداشتند و نتوانستند کاری کنند که مردم ارتش عراق را به عنوان ارتش میهنی خود قبول داشته باشند. در آن منطقه مردم طرفدار دولت نبودند. مسئولان عراقی باید درک کنند که ارتش این کشور چندبار شکست خورده و نیاز به یک بازسازی اساسی دارد. ارتش و ایران از این شکست خورده است، همین ارتش در جنگ خلیج فارس شکست خورده است، پس همین ارتش که چهار بار شکست‌های سختی خورده است، چرا باید کارهای سخت به آنها سپرده شود؟ این ارتش نیاز به یک تفکر جدید دارد.

بگذارید من جور دیگری برای شما بگویم. زمانی که داعش از سوریه به خاک عراق حمله کرد، کلاً این گروه‌ک ۳هزار نفر بودند. یعنی آنها ۳۰۰ مانشین داشتند و اگر فرض کنیم که هر ماشین ۱۰ نفر را حمل کند که قطعاً کمتر حمل کرده، جمعیت آنها در مجموع ۳ هزار نفر بیشتر نبود. واقعاً چگونه این ۳ هزار نفر توانستند در زمان کوتاهی، این مناطق وسیع را در عراق تصرف کنند؟ چه کسی با آنها همدستی کرد که تا فلوجیه جلو آمدند؟ آیا کردها به کمک آنها رفتند؟ آیا شش ماه قبل موصل در اختیار آنها بود؟ شاید ما در



مصدب نایب‌الرئیس،عراق

که کردستان یک کشور مستقل باشد؟چرا شما نخواهید که کردستان یک دولت مستقل باشد؟ هم‌اکنون بسیاری از قومیت‌ها در مناطق مختلف دنیا خواستار تشکیل دولت مستقل هستند و فقط به دنبال یک شرایط مساعد هستند.

شما یک نقشه قدیمی در دست می‌گیرید تا از حقوق خود در خصوص خلیج فارس دفاع کنید، ما نیز همین نقشه را برای کردستان قبول داریم.

در گذشته اکثر جغرافیای کردستان متعلق به ایران بوده است و بعد از جنگ چالدران و شکست ایران به حکومت عثمانی، کردستان به دو بخش تقسیم شد. یک سمت تابع حکومت عباسی شد و طرف دیگر تابع حکومت عثمانی شد. در جنگ جهانی اول، منطقه تقسیم شد و عراق جدید ساخته شد. در عراق جدید ولایت سبیس شیعیان فقیر جنوب را وادار کردند که در منطقه کرکوک ساکن شوند و از طرف دیگر کرد و ارمنی را از این مناطق بیرون کردند تا جمعیت آنها دچار تغییر شوند. نباید به تغییرات عراق به این سادگی نگاه کرد و شما چون یک عراقی نیستید، نمی‌توانید به سادگی موضوع را درک کنید. ما در زمان جنگ ایران و عراق می‌خواستیم که هر منطقه از کردستان عراق آزاد شد، به ایران ببینود اما در آن زمان مسئولان ایرانی گفتند که آقای طالبانی شما از این‌س طریق می‌خواهید کردستان بزرگ را کلید بزنید.

ما خواستار استقلال هستیم اما باید شرایط این استقلال محیا شود. من معتمد در شرایط فعلی، کردها اگر مستقل شوند، دچار ضرر خواهند شد. سیاست ما در امروز، جدایی‌طلبی نیست و خواهان حفظ وحدت عراق هستیم.

یعنی شما خود را ایرانی می‌دانید؟

ما خود را آربابی می‌دانیم. چون ایران یک جغرافیا است اما آربابی یک نژاد است. ما همواره تأکید می‌کنیم که ایران کشور دوم ماست.

نظر شما در خصوص نخست‌وزیر جدید عراق چیست؟

من هیچ تفاوتی بین آقای مالکی و العبادی در برنام‌ها نمی‌بینم. البته امکان دارد که آقای العبادی با استفاده از تجربیات گذشته، راحل‌های تازه‌ای پیدا کند. آقای العبادی شخصی قدرتمند در حزب‌الدعوه هستند و ایشان مسئول کمیسیون حل مشکلات مالی در پارلمان عراق بودند. ما کردها گاهی اوقات از آقای مالکی می‌خواستیم که به آقای العبادی بگوید که مشکلات مالی را برطرف کند بنابراین تغییر چهره مهم نیست. تغییر تفکر و

یک دشمن خارجی به مرزهای کشور بوده است. چرا به رغم حمله داعش به عراق، شما حاضر به متحد شدن با دولت مرکزی عراق نشدید؟

شما یک طرف موضوع را می‌بینید. ائیل نجیفی برادر اسامه نجیفی از سیاستمداران عراق در تلویزیون رسماً گفت، ما از مالکی رسماً در خواست کردیم، که از پیشمر که برای مقابله با داعش کمک بگیرد اما مالکی این درخواست را رد کرد. دوم اینکه در آخرین لحظات سقوط موصل ما به آقای مالکی گفتیم که موصل در حال سقوط است و اجازه دخالت پیشمر که را بدهید اما مالکی عنوان کرد که بگویید مسعود بارزانی با من تماس بگیرد. بر اساس پروتکل موجود نیروهای نظامی عراق که زمانی می‌تواند وارد مناطق غیر کرد شوند و همچنین نیروهای نظامی عراق زمانی اجازه ورود به مناطق کردنشین را دارند که رئیس اقلیم کردستان رسماً از نخست‌وزیر عراق این درخواست را بکنند یا بر عکس…

البته بعد از حمله داعش به اقلیم کردستان این وحدت شکل گرفت، چراکه حضور داعش در کردستان باعث گستردگی و قدرت گرفتن این گروه می‌شد. البته اولین تلاش داعش برای تصرف بغداد بود اما وقتی دید که نمی‌تواند بغداد را فتح کند، به کردستان حمله کرد. دلیل هم مشخص است، چراکه داعش با تحریک ترکیه، قصد جلوگیری از استقلال کردستان را داشت.

یعنی شما معتقد هستید که حمله داعش به کردستان، با تحریک ترکیه صورت گرفته است؟

بر اساس آنچه رسانه‌ها باز گو می‌کنند، به نظر می‌رسد که این طور باشد،چراکه داعش هم‌اکنون زخمی‌هایش را در ترکیه در مان می‌کند و به رغم اینکه داعش به نزدیکی مرزهای ترکیه رسیده بود، ترکیه نه تنها یک گلوله به سمت این گروه شلیک نکرد، بلکه حتی حاضر نشد یک گلوله به کردها برای مقابله با داعش بدهد. از سوی دیگر ما می‌بینم که جمهوری اسلامی ایران همکاری‌های خوبی سا کرده‌ها برای مقابله با داعش داشت. این موضوع از من نمی‌گوییم بلکه در نامه قدردانی رئیس اقلیم کردستان به ایران به آن اشاره شده است و پس از آن با حضور آقای ظریف در کردستان عراق، این تشکر یک بار دیگر نیز تکرار شد.

ایران اولین دولتی بود که برای مقابله با داعش برای کردستان کمک فرستاد.

پس شما در کل منکر این موضوع هستید که قصد استفاده از حمله داعش برای اعلام استقلال را داشتید؟

موضوع استقلال یک تیغ دوقبله است. چرا من نخواهم می‌کردید؟

من قبل از حمله داعش مصاحبه کردم و گفتم که داعش به عراق و کردستان حمله خواهد کرد، نخست‌وزیر اقلیم نیز زمانی که به تهران آمد و با آقای شمخانی ملاقات کرد، عنوان کرد که داعش به کردستان حمله خواهد کرد.

آقای دباغ، یکی از مسائلی که همواره در کشورهای مختلف به ویژه در کشورهای اسلامی زمینه‌ساز اتحاد داخلی شده، حمله



۹روزنامه جوان | شماره ۴۳۴۹

بوده، احتمال نفوذ رژیم صهیونیستی در خاک کردستان عراق است و گاهی گزارش‌هایی نیز در این زمینه منتشر شده است. علاوه بر این اخیراً هم عنوان شده که یکی از نفتکش‌های کردستان، نفت به این رژیم تحویل داده است. شما این نگرانی را چطور رفع می‌کنید؟

من انتقال نفت کردستان به اسرائیل را تأیید می‌کنم اما نه به آن شیوه که شما می‌گویید. اگر نگاه کنیم متوجه می‌شوید که یهودیان در همه جای دنیا حضور دارند. حضور یهود در یک منطقه به معنای حضور رژیم صهیونیستی در آن منطقه نیست. همان طور که حضور ایران در مناطق شیعه به معنای حضور شیعیان در آن مناطق است. از لحاظ سیاسی ما بارها تأکید کردیم که به عنوان حکومت اقلیم کردستان عراق، هیچ رابطه‌ای با اسرائیل نداریم و نخواهیم داشت. ما تابع دولت مرکزی عراق هستیم. اگر چه ما از اعراب، عرب‌تر نیستیم و حتی از فلسطینی‌ها، فلسطینی‌تر نیستیم. چراکه آنها رو در روی اسرائیل می‌نشینند و با آنها مذاکره می‌کنند. ما به هیچ وجه این کار نکرده‌ایم. در خصوص موضوع نفت هم باید بگویم که ما مستقیم نفت به اسرائیل نداده‌ایم. این کشتی‌ها در بازار جهانی بوده و شرکت‌های مختلف این نفت را از ما خرید‌اند و سپس به اسرائیل داده‌اند. من فکر می‌کنم خود اسرائیلی‌ها دستور داده‌اند که این نفت را بخرند، چراکه این یک سیطنت است. آنها در گذشته تنها حکومتی بودند که از استقلال کردستان عراق حمایت کردند و این به معنای آن است که به دلیل حمایت اسرائیل کل کشورهای عربی و اسلامی در مقابل شما می‌ایستند. آنها به دنبال ایجاد نامنی در منطقه هستند و می‌خواهند روابط کردستان با عراق، ایران و ترکیه را برهم بزنند.

بر اساس قانون اساسی عراق، شما باید نفت خود را تحت نظر دولت مرکزی به فروش برسانید اما چند وقتی است که بر خلاف قانون اساسی، نفت را به صورت مستقل می‌فروشید. دلیل این موضوع چیست؟

ما در این امر موضوع را در دادگاه فدرال مطرح کردیم و هر دو بار نیز بیروز این دعوی، اقلیم کردستان بود. ما به قانون اساسی عراق پایبند هستیم اما آقای مالکی حقوق مسا قطع کرد و ما مجبوریم، که برای تأمین هزینه‌های خود نفت بخر و بفروشیم. این برای ما بهتر است که بودجه خود را از دولت مرکزی بگیریم و نفت خود را زیر زمین نگه داریم. ببینید، ما ۱۷ درصد بودجه از عراق



می‌گیریم که سالانه حدود ۱۲/۵ میلیارد دلار می‌شود. نفتی که ما صادر می‌کنیم روزانه ۲۰ هزار بشکه است و تاکنون ۱۰ میلیون و ۳۰۰هزار بشکه نفت صادر کرده‌ایم که اگر بشک‌های ۱۰۰ دلار هم حساب کنیم کل یک میلیارد و ۶۳۰ میلیون دلار می‌شود که در مجموع هشت ماه فروش ما بوده است. حال در این مدت ما باید از عراق ۸ میلیارد دلار بودجه می‌گرفتم. حال نکته اینجاست که از این مبلغ فروش ۲۰ درصد در اختیار شرکت‌های سرمایه‌گذار و استخراج‌کننده قرار می‌گیرد. ۵۳دلار نیز ما حق اولیه می‌دهیم. ۵ دلار هم هزینه جبران جنگ خلیج فارس را می‌دهیم. یعنی از این مبلغ دریافتی نزدیک ۳۰۰ میلیون دلار کم می‌شود و خالص ۶۰۰ میلیون دلار برای ما باقی می‌ماند.

سؤال بعدی ما در خصوص بحث یعنی زردایی از ارتش و دولت عراق است. این طرح تا بجای پیش‌رفته است؟

این طرح به درستی پیش نرفته است و اگر درست اجرا می‌شد امروز عراق با این معضل روبه‌رو نبود. متأسفانه آقای مالکی اجازه اجرای طرح را نداد. قانون تصریح کرده که بعضی‌هانیابه کار دولتی بازگردن چه برسد به آنکه فرماندهی ارتش را در اختیار داشته باشند. ما بارها در خصوص نفوذ بعضی‌ها در بدنه دولت و ارتش هشدار داده بودیم و حتی پنج‌ماه‌قبل از حمله داعش به عراق در این خصوص هشدارهای لازم را داده بودیم اما ایشان توجهی نکرد.

سؤال آخر هم اینکه، با توجه به حضور شرک‌های ایرانی در کردستان عراق، چه زمانی این شرکت‌ها می‌توانند با آرامش برای ادامه فعالیت‌خود به کردستان بازگردند؟

ناآرامی در کردستان کلاً یک ماه بود و هم‌اکنون منطقه آرام است و همه می‌توانند فعالیت‌های خود را ادامه دهند. مشکل اصلی شرکت‌های ایرانی، مشکل بودجه است و دولت کردستان نتوانست بودجه ادامه فعالیت آنها را فراهم کند. به ناچار ما به آنها گفتیم که برای جلوگیری از ضرر و زیان پروژه‌ها را متوقف کنید تا این مشکل مرتفع شود.